

## نقدی کردن یارانه‌ها یا افزایش قیمت‌ها؟

نویسنده: فاطمه دواری

تغییر باقی می‌ماند. در این صورت اثر ثانویه منفی افزایش قیمت‌ها و کاهش دستمزدهای واقعی برای خانوارهای فقیر، اثر مثبت یارانه‌ی نقدی پرداخت شده به آنها را خنثی می‌کند. علاوه بر این با افزایش قیمت‌ها احتمال به زیر خط فقر رفتن خانوارهای قرار گرفته در انتهای گروه درآمدی بالای خط فقر نیز وجود دارد که در محاسبات فقر منظور نمی‌شود.

پیش شرط دوم موفقیت طرح، شناسایی تقریباً دقیق خانوارهای هدف است و چنانچه این شناسایی بر مبنای معیار درآمدی صورت گیرد، اطلاعات دقیقی درباره وضع درآمدی خانوارها مورد نیاز است که معمولاً وجود ندارد. به همین دلیل سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها همراه با خط‌هایی است که بسته به ابعاد آن می‌توان کارایی این سیاست را مورد ارزیابی قرار داد.

پیش‌شرط سوم موفقیت سیاست، امکان استقرار نظام پرداخت یارانه نقدی در حد لازم است. با توجه به قدرت چانه‌زنی پایین خانوارهای فقیر در ساخت قدرت، احتمال استمرار چنین سیاستی، به ویژه در شرایطی که دولت با کمبود منابع درآمدی مواجه می‌شود، پایین است. در نتیجه انتظار می‌رود دست کم در چنین شرایطی شدت فقر خانوارهای فقیر افزایش یابد و اثر مثبت یارانه نقدی به دست آمده در سال‌های قبل را نیز خنثی کند.

پایین بودن هزینه‌های اداری و تشکیلاتی هدفمند کردن یارانه‌ها پیش‌شرط چهارم اعلام شد که در غیر این صورت، بار مالی این سیاست به همراه آثار منفی دیگر، ممکن است بخش مهمی از دستاوردهای مورد نظر در زمینه رشد و کنترل کسری بودجه را خنثی کند.

پیش‌شرط پنجم نیز عدم تأثیر منفی شناسایی فقرا از نظر روانی و شخصیتی است که در این باره آمارتیا سن (۲۰۰۲) معتقد است، یکی از آثار این روش، احساس شکسته شدن فقرا در انتظار عمومی است. بنابراین کارایی سیاست باید بر مبنای چنین هزینه‌های روانی نیز سنجیده شود.

لذا لازم است تا قبل از هر اقدام شتاب‌زده‌ای در خصوص پیش‌شرط‌های فوق و شرایط نهادی لازم برای افزایش قیمت‌های انرژی، اقداماتی صورت پذیرد. در کنار این مساله، مساله‌ی تعریف یارانه و تفاوت آن با هزینه فرصت نیز باید مشخص شود، تا اگر اقدامات اجرایی در زمینه افزایش قیمت‌های انرژی صورت پذیرد این مساله با شفافیت همراه باشد.

اقتصادی، طرح نقدی کردن یارانه‌ها به تفاوت میان یارانه و هزینه فرصت پرداخته نمی‌شود. هیچ ایرادی ندارد که دولتی بخواهد هزینه کالاها را با توجه به هزینه فرصت آنها همراه سازد. اما اینکه این کار را تحت نام نقدی کردن یارانه‌ها مطرح کنیم، شاید مناسب نباشد. در حقیقت اسم این طرح افزایش قیمت محصولات انرژی طبق هزینه فرصت آن می‌باشد.

جدای از مبحث تعریف یارانه و هزینه فرصت، مساله مهم دیگر این است که پیش شرط‌های لازم برای افزایش قیمت‌های انرژی چه می‌باشد؟ و اینکه آیا برای این طرح این پیش‌شرط‌ها تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق می‌باشند؟

چندی پیش یکی از دستگاه‌های اجرایی گزارش ۲۷۱ صفحه‌ای در خصوص نقدی کردن یارانه‌ها منتشر کرد. در قسمتی از این گزارش آمده بود:

پرداخت یارانه‌های همگانی از طریق کنترل‌های قیمتی، مانع رشد اقتصادی بیشتر می‌شود و بر این اساس فقر و تنگناهای ساختاری نظیر کشش‌ناپذیری عرضه نسبت به قیمت، ناشی از اختلالات‌های قیمت است که باید از طریق تعدیل قیمتی رفع شود.

انتظار بر این است تا با هدفمندسازی یارانه‌های انرژی، کارایی نظام اقتصادی از طریق آزادسازی قیمت انرژی افزایش یابد، مصرف انرژی بهینه و قاچاق آن کاهش یابد، مخارج عمومی کاهش و عدم تعادل‌های بودجه‌ای رفع گردد و شکاف مصرف انرژی بین گروه‌های درآمدی کاهش یابد. برای نقدی کردن یارانه‌ها ۵ پیش شرط لازم است.

پیش شرط اول این است که در زمان اجرای سیاست‌ها، تورم افزایش نیابد؛ در غیر این صورت صورت سهم‌بری صاحبان دارایی‌های ثابت با افزایش قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و الگوی جاری توزیع درآمد در بهترین حالت بدون

چندی است مساله نقدی کردن یارانه‌ها که با نقدی کردن یارانه انرژی شروع خواهد شد، در رسانه‌ها مطرح است. همه موافقان و حتی تعداد قابل ملاحظه‌ای از مخالفان طرح نقدی کردن یارانه‌ها به شکل کنونی، بر این مساله که دولت ایران یارانه بسیار زیادی به انرژی می‌دهد، اتفاق نظر دارند.

به طور مثال در گزارشی آمده است: هم‌اکنون یارانه‌ها در بخش انرژی و غیر انرژی ۹۰ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور را به خود اختصاص داده‌اند که در صورت هدفمند شدن آنها با حفظ قدرت خرید مردم و افزایش قدرت خرید برخی دهک‌ها، شاهد افزایش تولید، رونق اقتصادی و فراهم کردن زمینه کسب و کار خواهیم بود. آیا با توجه به تعریف یارانه‌ها باز هم همین رقم یارانه انرژی داریم؟

رقم‌های بالا به این صورت محاسبه شده‌اند که به طور مثال قیمت بنزین را قیمت جهانی آن یا فوب خلیج فارس در نظر گرفته‌اند و طبق آن قیمت ۱۰۰ تومانی بنزین در ایران را با آن مقایسه کرده‌اند. در این صورت به این نتیجه رسیده‌اند که یارانه بنزین بیش از ۴ برابر قیمت آن در ایران در حال حاضر است.

این در حالی است که یارانه پرداختی به این مفهوم است که هزینه تولید یک کالا در داخل به طور مثال ۱۲۰ تومان باشد و دولت بنا به دلایل مختلف به ازای هر واحد از آن کالا ۲۰ تومان یارانه پرداخت کند و در نهایت این کار منجر به پایین آوردن قیمت کالا به ۱۰۰ تومان شود. یعنی دولت منابع مالی را جهت کاهش قیمت آن کالا و رساندن آن به پایین‌تر از هزینه تولید آن مصرف می‌کند. اما آیا در خصوص انرژی، دولت به این شکل منابع مالی می‌پردازد؟ آیا هزینه تمام شده به طور مثال بنزین در ایران بیش از ۱۰۰ تومان است؟

مساله‌ای که در این جا قابل ذکر می‌باشد، این است

که دولت در حال حاضر منابع مالی خاصی برای یارانه انرژی نمی‌پردازد و ارقام بالا برای یارانه انرژی در حقیقت هزینه فرصت محصولات انرژی می‌باشند نه یارانه آنها. و در صورت افزایش قیمت انرژی منابع مالی عظیمی در اختیار دولت قرار خواهد گرفت که هزینه‌اش افزایش بی‌سابقه تورم و کاهش قدرت خرید مردم می‌باشد. متأسفانه در سطح رسانه‌ها و حتی کارشناسی

